

## رنالیسم یا واقع گراییه

رنالیسم به صورت جامع و کلی به مفهوم حقیقت، واقعیت و وجود مسلم، و نیز نفی تخیلات و امور ناممکن و غیر عملی است. رنالیسم در هنرهای تصویری و ادبیات، نمایش چیزها به شکلی است که در زندگی روزانه هستند، بدون هرگونه آرایش یا تعبیر افزون. در این شیوه از نقاشی در آن هنرمند باید در نمایش طبیعت (طبیعت بدون انسان و با انسان) از هرگونه احساساتی گری خودداری کند.

در هنر نقاشی، رنالیسم به معنای نمایش اشیا و موضوعات به صورت طبیعی است، به گونه ای که نقاش تخیل و ابتکار عمل خود را در نحوه پیاده کردن آن موضوع دخالت ندهد و هر موضوع به همان گونه که در دنیای خارج دیده می شود در نقاشی به نمایش در می آید. این سبک نقاشی در اواسط قرن نوزدهم در فرانسه رواج پیدا کرد. در حقیقت به عنوان شاخه ای فرعی از سبک رمانتیسیم (Romanticism) بود که با این ایده که می خواست نمایش دقیقی از زندگی روزمره را نمایش دهد از آن جدا شده و خود به یک سبک (Movement) در هنر نقاشی بدل شد.

از نقاشان دوره ی اول این سبک می توان به نقاشان فرانسوی: Jean-Baptiste-Camille Corot (از ۱۷۹۶ تا ۱۸۷۵) و Jean Francois Millet (از ۱۸۲۴ تا ۱۸۷۵) اشاره کرد.

رنالیسم یا واقع گرایی، شیوه ای است که در آن هنرمند باید در نمایش طبیعت (طبیعت بدون انسان و با انسان) از هرگونه "احساساتی گری" خودداری کند. اما منظور ما از رنالیسم، در اینجا شیوه ی هنری ای است که از حوالی سال ۱۸۴۰ به بعد در اروپا و دیگر نقاط جهان متداول شد. مدت زیادی از میانه ی قرن نوزدهم نگذشته بود که شارل بودلر شاعر و هنرشناس فرانسوی، در سال ۱۸۴۶ نقاشیهایی را می ستود که بتواند "خاصیت قهرمانی زندگی معاصر" را به وصف درآورد. در آن زمان تنها یک نقاش وجود داشت که برآوردن این "نیازمندی" را اساس ایمان هنری خود قرار دهد. و او کسی نبود جز گوستاو کوربه که در بخش قبل از او نام برده شد. کوربه که به پرورش روستایی خود می بالید و در سیاست از سوسیالیست ها طرفداری می کرد، هنر خود را در سالهای میان ۱۸۴۰-۵۰ به شیوه ی نوپاروک رمانتیک آغاز کرد، لیکن در سال ۱۸۴۸ در زیر فشار طغیانهای انقلابی که سراسر اروپا را فرا گرفته بود، کوربه به این عقیده در آمد: تأکیدی که مکتب رمانتیسیم بر اهمیت احساس و تخیل می گذاشت صرفاً دستاویزی بود برای فرار از واقعتهای زمان و او اعتقاد به این امر پیدا کرد که هنرمند نباید تنها به تجربه ی شخصی و بی واسطه ی خود تکیه کند و می گفت: من نمی توانم فرشته ای را تصویر کنم، زیرا هرگز آن را به چشم ندیده ام! هنگامی که کوربه پرده ی "سنگ شکنان" را به معرض نمایش گذاشت، نخستین اثری بود که واقعگرایی برنامه ریزی شده ی او را به طور کامل در بر داشت.

وی دو مرد را که بر جاده ای کار می کردند دیده بود و آنها را سرمشق نقاشی اش قرار داده بود.

کوربه آنها را به اندازه ی طبیعی، با هیكلی جسیم و حالتی کاملاً عادی، بدون هیچ گونه نشانی از بارقه ی رنج یا حساسیت بارز نقاشی کرد. در سالهای ۱۸۵۵ که نمایشگاه های نقاشی پاریس در انحصار آثار انگر و دلاکروا بود کوربه با تشکیل دادن نمایشگاه خصوصی آثار خود را به همراه "بیانیه ی واقعگرایی" خود عرضه کرد. موضوعات او بیشتر شکارچیان، دهقانان، کارگران و ... بودند. به بیان او دنیای نقاشی دارای "قوانینی طبیعی" است و نخستین وظیفه ی هر نقاش این است که به پرده نقاشیش وفادار بماند نه نسبت به دنیای خارج وهمینجاست که طرز فکر "هنر برای هنر" که بعدها در اروپا رواج یافت بنیان می یابد. کوربه در نقاشی های خود از هرگونه پیرایه بندی و اغراق احساساتی خودداری می کرد، تا آنجا که معمولاً کارهای او را زشت و ناهنجار و غیر هنری به شمار می آوردند.

از رنالیست های دیگر "انوره دومیه" است که در طی حکومت ناپلئون سوم برای نشریات انتقادی- فکاهی کاریکاتور تهیه می کرد. دومیه در کارهایش از هرگونه آب و تاب دادن موضوع خودداری می کرد و واقعیات اجتماعی هرچند تلخ و وحشیانه را به تصویر می کشید.

رنالیسم در کلیت خود، اصلاحی در تاریخ هنر است که به بازنمایی واقعیت مورد تجربه ی انسانها در زمان و مکان معین اشاره دارد. در این تعریف عام، رنالیسم مفهومی متضاد با آرمانگرایی، انتزاعگرایی، چکیده نگاری و رمانتیسیم است و از این رو با معنای ناتورالیسم (naturalism)، مترادف انگاشته می شود. از جنبه ی صوری، رنالیسم به این دلیل با ناتورالیسم متمایز است که بر "عام در خاص" تأکید می کند (ناتورالیسم صرفاً "خاص" را چون اساس واقعیت ارائه می کند) از نظر محتوی نیز رنالیسم با ناتورالیسم متفاوت است، زیرا لزوماً به اثباتگرایی و فلسفه ی طبیعتگرانه درباره ی زندگی نمی پردازد. گاه واقع گرایی را در معنای "واقع نمایی" بکار می برند. که در این صورت مفهومی متضاد با کژنمایی است. برخی نیز شبیه سازی واقعیت را "واقعگرایی بصری" می نامند. و آن را از واقعگرایی مفهومی جدا میکنند.

رنالیسم به مثابه یک روش هنری، قابل تعمیم به بسیاری از آثار هنری - صرف نظر از سبک یا اسلوب معین - است. رنالیسم را در آثاری می توان شناخت که هنرمند از سطح ظواهر عینی فراتر رفته، حقایقی از روابط گوناگون و پویای انسانها با یکدیگر و با محیطشان را بیان می کند و به طور کلی با مسئله ی "انسان چیست و چه می تواند بشود" درگیر می شود. نقاشانی چون رامبراند، گويا، وانگوگ، بیکاسو، لژه و بسیاری از هنرمندان دیگر، آثاری واقع گرایانه آفریده اند. در برخی از این آثار روشهای کژنمایی، انتزاع و چکیده نگاری به کار رفته است. رنالیسم چون یک آموزه یا نظریه ی هدفمند، در میانه ی سده ی نوزدهم، واکنشی در برابر خصلت آرمانی کلاسیسیسم و خصلت ذهنی و تلقینی رمانتیسیم بود. واقعگرایی سده ی نوزدهم بر تفسیر همه جانبه ی زندگی اجتماعی و تجسم دقیق سیمای زمانه تأکید می کرد. (از نظریه پردازان اصلی آن، شانقلری و دورانتی بودند). ادامه ی جنبش رنالیسم سده ی نوزدهم به دو جریان امپرسیونیسم و ناتورالیسم - به خصوص در ادبیات - انجامید (واقعگرایی اجتماعی، رنالیسم سوسیالیست، واقعگرایی نو)

نمونه ای از نقاشی های رئالیسم از آثار Millet











نمونه ای از نقاشی های رئالیسم از آثار Camille





Il fiume di Gubbio





